

پیشگفتار:

بر پایه شاخصهای بانک جهانی در سه دهه ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی بازرگانی جهانی رشدی بی سابقه داشته است. برای نمونه، در حالی که در سال ۱۹۷۰ میزان کل واردات و صادرات بین المللی به ۲۶ درصد تولید ناخالص جهان می رسید، در سال ۱۹۸۰ این شاخص به ۴۰ درصد و در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد افزایش یافت. اما گفتنی است که رشد پرشتاب بازرگانی بین الملل بیشتر به ۷ کشور صنعتی جهان و ۱۲ کشور در حال رشد محدود بوده است به گونه ای که در این دوره زمانی نزدیک به ۹۰ درصد کشورهای در حال توسعه رشد ناچیزی داشته اند. در واقع، در این سه دهه سر نوشت ساز سهم کشورهای در حال توسعه در بازرگانی بین المللی نه تنها بیشتر نشده، بلکه در مواردی چند کاهش نیز یافته است.

از میان رفتن موانع بازرگانی آزاد از عوامل مهم این روند ارزیابی شده است. آزادسازی بازرگانی بین المللی در دهه ۱۹۷۰ در چارچوب توافق نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به نسبت آرام و گام به گام بود و بیشتر به کشورهای صنعتی محدود می شد، اما از دهه ۱۹۸۰ آزادسازی بازرگانی بین الملل بویژه در کشورهای در حال رشد شتاب و گسترش چشمگیر یافته است.

گذشته از تحولات یاد شده، بازار مالی جهان در دهه ۱۹۸۰ سه انقلاب فناوری، آزادسازی و جهانی شدن را نیز همزمان آزمود که آثاری بنیادین و سرنوشت ساز در دگرگونی ساختار تجاری جهان داشت. انقلاب فناوری گونه های تازه ای از تجارت از جمله تجارت الکترونیک را جایگزین شکل های سنتی آن کرد. از سوی دیگر، این تحول موجب گردآوری سریع اطلاعات درباره بازارهای مالی جهان و همچنین مبادلات مالی بین المللی در طول شبانه روز شد و گردش سرمایه را جهانی کرد. سیاست

آزادسازی نیز فضای مناسب را برای گردش سرمایه در سطح بین المللی فراهم آورد. جهانی شدن نیز پدیده ای بود که بیش از همه بخشها، بر بازرگانی و اقتصاد در جهان اثر گذاشت.

سازمان جهانی بازرگانی در سال ۱۹۹۵ میلادی و با پایان کار موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) که برای ۵۰ سال نظارت بر تجارت و تعرفه کشورهای عضو را بر عهده داشت، فعالیتهای خود را آغاز کرد. سازمان جهانی بازرگانی ۱۴۸ عضو دارد و پیوسته بر شمار اعضای آن افزوده می شود به گونه ای که هم اکنون نزدیک به ۳۰ کشور درخواست عضویت در این سازمان را دارند. گفتنی است که سازمان جهانی بازرگانی نزدیک به ۸۹ درصد حجم بازرگانی بین الملل را به خود اختصاص داده است.

پس از ۹ سال تلاش ایران برای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی و مخالفت های سیاسی آمریکا، سرانجام بیست و دومین درخواست ایران در نشست پنجم خرداد ۱۳۸۴ این سازمان با رأی مثبت همه اعضا مورد موافقت قرار گرفت. با تصویب درخواست ایران، نماینده کشورمان از این پس می تواند در نشست های سازمان بعنوان عضو ناظر شرکت کند. روند پذیرش عضویت دائم ایران در این سازمان پیچیدگی های ویژه ای دارد و با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور ممکن است نزدیک به ۷ تا ۱۰ سال به درازا بکشد.

با روی کار آمدن دولت جدید در ایران، با اینکه هنوز راهبرد اقتصادی دولت بویژه از بعد بین المللی اعلام نشده، اما به نظر نمی رسد چرخشی در سیاست دولت مبنی بر عضویت دائم در این سازمان جهانی پدید آید و از آنجا که دولت جدید برقراری عدالت و مبارزه با رانت خواری و ثروتهای نامشروع را در سرلوحه برنامه های اقتصادی خود قرار داده است، نمی توان این واقعیت را نادیده انگاشت که بی بهره گیری بهینه از امکانات و فرصتهایی که در

چشم انداز پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی

حسن رضائی

دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی
دانشگاه پونا-هند

● روی هم رفته کمتر کسی است که ضرورت پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی را نادیده انگارد، اما در مورد پیش شرط‌های آن، همگان یکسان نمی‌اندیشند.

سطح بین‌المللی از آن برخورداریم، دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی و برقراری عدالت در جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، باید از همه امکانات داخلی و خارجی برای پیشبرد اهداف خود در سازمان جهانی بازرگانی بهره جست.

الف - جهانی شدن اقتصاد: یک واقعیت گریزناپذیر

ما با هر دیدگاه، نمی‌توانیم این حقیقت آشکار را نادیده انگاریم که جهانی شدن پدیده‌ایست فراگیر که بر همه ابعاد زندگی انسان در جهان امروز اثر گذار بوده است ولی روشن‌ترین و ملموس‌ترین وجه جهانی شدن را می‌توان در برداشته شدن موانع تجاری میان کشورها که بیانگر جهانی شدن بازرگانی و اقتصاد (گردش پول، سرمایه و نیروی کار در سطح جهان) است، دید. نقطه آغازین جهانی شدن بازرگانی نیز موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷ و فعال شدن آن در سال ۱۹۷۰ بوده است.

تاکنون تعاریف متعددی از پدیده جهانی شدن ارائه شده است از جمله اینکه جهانی شدن مجموعه‌ای از دگرگونی‌هایی است که بر توانایی دولت‌ها اثر می‌گذارد و به همگرایی اقتصادی و فرهنگی در سراسر جهان می‌انجامد. در واقع آنچه در حال رخ دادن است و شرایط زندگی انسان را از همه جنبه‌ها دستخوش دگرگونی ژرف می‌کند، جهانی شدن نام دارد. بر سر هم، جهانی شدن به منزله کم‌رنگ شدن و سرانجام از میان رفتن مرزهایی است که جوامع انسانی را از هم جدا کرده است. این روند گامی است به سوی پیوستگی کمابیش همه جنبه‌های زندگی اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

از دید برخی کارشناسان اقتصادی، جهانی‌سازی فرصت کم‌مانندی برای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه بشری

فراهم آورده است که می‌تواند به فقر گسترده در پهنه جهان پایان دهد. اما تحقق آن نیازمند نظامی مؤثرتر برای مدیریت جهانی شدن است که بتواند تصمیم‌گیری درباره کارکرد جهانی شدن را از محدوده شرکت‌های فراملی وابسته به دولت‌های نیرومند فراتر ببرد و انسانها را به گونه مؤثر و دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها سهیم سازد.

در سال ۱۹۸۶ هشتمین دور مذاکرات چندجانبه در زمینه تجارت بین‌الملل معروف به مذاکرات دور اروگوئه آغاز شد. در نتیجه این مذاکرات، گات در سال ۱۹۹۵ به سازمان جهانی بازرگانی تبدیل شد. مذاکرات دور اروگوئه از آن رو با اهمیت شمرده می‌شود که دستور کار گات را که بیشتر ناظر به کاهش تعرفه‌های بازرگانی بود، گسترش داد و آزادسازی تجارت خدمات، حذف موانع سرمایه‌گذاری خارجی، آزادسازی بازارهای مالی و تنظیم رقابت و حقوق مالکیت فکری (معنوی) را در دستور کار قرار داد. این مصوبات آهنگ رشد جهانی شدن را شتاب بخشید.

بیشتر کشورهای در حال توسعه معتقدند که نتایج این مذاکرات ناعادلانه بوده است؛ زیرا کشورهای در حال توسعه ناگزیر از دادن امتیازات بسیار به کشورهای توسعه یافته شده‌اند اما در برابر امتیازهای لازم را دریافت نکردند تا بتوانند هزینه‌های سنگینی را که این اصلاحات بر آنها تحمیل می‌کند جبران کند.

ساختار تشکیلاتی سازمان جهانی بازرگانی:

بی‌شناخت روشن اهداف، اصول و ساختار سازمانی یک نهاد مهم بین‌المللی نمی‌توان کار کرد و چگونگی تعامل درست با آن نهاد را طراحی، برنامه‌ریزی و سازماندهی کرد. از این رو، پیش از آغاز بحث در خصوص پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی لازم است با ساختار سازمانی این نهاد و اختیارات و مسئولیت‌های هر بخش از آن، آشنا

امتیاز بازرگانی یا تعرفه‌ای که يك کشور به هر کشور عضو می‌دهد، به همه شریکان تجاری عضو، گسترش می‌یابد. تنها استثنا بر این اصل شرایط همگرایی اقتصادی همانند اتحادیه‌های گمرکی میان چند کشور است؛

۲- بهره‌گیری از محدودیت‌های کمی در بازرگانی همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع و پشتیبانی از صنایع داخلی تنها با وضع تعرفه‌های گمرکی شفاف امکان‌پذیر است؛

۳- کاهش تدریجی و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و از میان برداشتن موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، مگر در زمینه فرآورده‌های کشاورزی کشورهایی که با مشکلاتی در پرداختها روبه‌رو هستند؛

۴- برقراری نظام تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به برخی از فرآورده‌های کشورهای در حال توسعه، به منظور ساده‌سازی رقابت محصولات این کشورها با تولیدات کشورهای صنعتی؛

۵- هرگونه رفتار کشورهای عضو که شکل فروش زیر قیمت تمام شده (dumping) به خود گیرد، ممنوع است؛

۶- هرگونه رفتار با کالای وارداتی که متفاوت با رفتار با کالاهای ساخت داخل باشد از سوی کشورهای عضو ممنوع است؛

۷- مشورت در زمینه سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات برخاسته از روابط تجاری از راه مذاکره.

ت - ارکان سازمان جهانی بازرگانی:

۱- کنفرانس وزیران:

کنفرانس وزیران بالاترین رکن سازمان جهانی بازرگانی است که نمایندگان همه اعضا را در بر می‌گیرد و وظیفه اعضای آن محقق ساختن کارکردهای سازمان، دست زدن به کارهای لازم در این راستا و تصمیم‌گیری در زمینه توافقنامه‌های بازرگانی چندجانبه در صورت درخواست هر يك از

ب - اهداف و اصول سازمان جهانی بازرگانی:

اهداف اصلی سازمان جهانی بازرگانی همان هدفهای مندرج در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) است:

۱- بالا بردن سطح زندگی
 ۲- تأمین اشتغال کامل در کشورهای عضو
 ۳- گسترش تولید و تجارت
 ۴- بهره‌وری بهینه از منابع جهانی
 ۵- دستیابی به توسعه پایدار با توجه به بهره‌برداری بهینه از منابع جهانی
 ۶- حفظ محیط زیست به گونه‌ای که با سطوح گوناگون توسعه اقتصادی جوامع سازگاری داشته باشد

۷- افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد بازرگانی بین‌المللی در راستای این اهداف، سازمان جهانی بازرگانی به مدیریت و تسهیل عملیات اجرایی و توسعه اهداف موافقتنامه سازمان و فراهم کردن چارچوب لازم برای اجرای موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه می‌پردازد. همچنین، فراهم کردن امکانات گردهمایی اعضا برای مذاکره و مشورت در زمینه روابط چندجانبه تجاری و اجرا و تدوین مقررات مربوط به روشهای حل اختلاف میان اعضا را برعهده دارد. سازمان جهانی بازرگانی همچنین وظیفه دارد نظام بررسی و بازرگری در سیاست‌های تجاری را برقرار و با سازمانها و تشکیلات اقتصادی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همکاری کند.

پ - اصول سازمان جهانی بازرگانی:

اصول سازمان جهانی بازرگانی با اندکی تفاوت همان اصول مندرج در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت است:

۱- اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله‌الوداد (MFN): برپایه این اصل هرگونه

● شاید مناسبترین پاسخ به این پرسش که «آیا ایران باید به سازمان جهانی بازرگانی بپیوندد یا نه؟» این باشد که بازمینه‌سازی مناسب چه در زمینه ایجاد ساختار اقتصادی لازم و چه در زمینه بهینه‌سازی مدیریت‌ها عضویت به سود ماست و گر نه ممکن است عضویت در سازمان به عقب‌ماندگی اقتصادی و فنی بیشتر بینجامد و با قرار گرفتن واحدهایی ناتوان از رقابت بازرگانی و فنی و تخصصی در معرض رقابت با دیگر کشورها، در عمل بقایای آنها و هم‌زمان فرصت‌های شغلی موجود نیز به خطر افتد.

● برپایه برنامه چشم‌انداز بیست ساله و راهکارهای اقتصادی مطرح شده در این برنامه، ایران باید در دهه‌های آینده به قدرت اقتصادی برتر در منطقه تبدیل شود. این هدف هنگامی محقق می‌شود که اندیشه تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری در مسئولان و اقشار گوناگون جامعه نهادینه شود.

ریاست، قوانین و روش ویژه خود را دارد و به بازرگاری در سیاستهای تجاری اعضا برای آماده کردن آن در مکانیسم بازرگاری در سیاستهای تجاری می‌پردازد. در آغاز هر سال رئیس و دو معاون این رکن از میان اعضا برای مدت یک سال برگزیده می‌شوند.

۵- شوراها:

سازمان جهانی بازرگانی در اجرای وظایف خود به تشکیل شوراهایی می‌پردازد که زیر نظر شورای عمومی فعالیت می‌کنند.

۱-۵- شورای تجارت کالا:

شورای تجارت کالا سرپرستی بر موافقتنامه‌های چندجانبه در زمینه تجارت کالا را بر عهده دارد. این موافقتنامه‌ها دربرگیرنده موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و توافقیهای مربوط و ۱۲ موافقتنامه دیگر است. این شورا ۱۰ کمیته دارد که هر یک در زمینه‌ای ویژه فعالیت می‌کند (مانند کشاورزی، دستیابی به بازار، یارانه‌ها، مسائل مربوط به فروش زیر قیمت تمام شده و...).

۲-۵- شورای تجارت خدمات:

شورای تجارت خدمات سرپرستی بر موافقتنامه عمومی تجارت خدمات را بر عهده دارد. شرکت در این شورا برای همه اعضای سازمان جهانی بازرگانی آزاد است و اجازه ایجاد ارکان متمم را دارد. کمیته خدمات مالی، کمیته تعهدات مشخص و گروههای کاری ناظر به آیین‌نامه‌های داخلی و قواعد موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، جزو ارکان متمم در این شورا است.

۳-۵- شورای جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی:

حقوق مالکیت معنوی، حقوقی است که به افراد برای اندیشه‌هایشان داده می‌شود. این شورا سرپرستی کارکرد موافقتنامه‌هایی را که به این امر

اعضا است. کنفرانس وزیران دستکم یک بار در هر دو سال برگزار می‌شود. نخستین نشست وزیران کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی در دسامبر ۱۹۹۶ در سنگاپور، دومین نشست در مه ۱۹۹۸ در ژنو و سومین نشست در نوامبر ۱۹۹۹ در سیاتل (ایالات متحده آمریکا) برگزار شد. چهارمین و پنجمین و ششمین نشستها نیز در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به ترتیب در دوحه (قطر)، کنکان (مکزیک) و هنگ کنگ برگزار شد.

۲- شورای عمومی:

شورای عمومی سازمان جهانی بازرگانی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در سازمان است که درباره مسائل جاری و کارکردهای این سازمان نظر می‌دهد. این شورا به گونه معمول هر دو ماه یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و در این جلسات از جانب کنفرانس وزیران عمل می‌کند و به این کنفرانس گزارش می‌دهد. محل این شورا در ژنو است و نمایندگان همه اعضا (سفیران یا کسانی در رده سفیر) در آن شرکت می‌کنند.

۳- رکن حل اختلاف:

شورای عمومی گاهی بعنوان رکن حل اختلاف تشکیل جلسه می‌دهد. اختلاف بیشتر در مواردی روی می‌دهد که دولت عضو سازمان گمان می‌برد که عضو دیگری معاهده یا تعهدی برخلاف مصالح دولت اول طراحی کرده است. تنظیم‌کنندگان این معاهدات، دولتها عضو این سازمانند و این معاهدات نتیجه مذاکرات میان دولتهاست. بنابراین مسئولیت نهایی توافق بر سر این معاهدات به عهده رکن حل اختلاف است.

۴- رکن بررسی خط‌مشی تجاری:

شورای عمومی گاهی نیز بعنوان رکن بررسی خط‌مشی تجاری تشکیل جلسه می‌دهد. این رکن

آگاهی دیگر اعضا برساند.

پس از مطرح شدن درخواست در جلسه شورا، چنانچه درخواست پذیرفته شود، يك گروه کاری برای رسیدگی به موضوع تشکیل می‌شود و آن کشور گزارشی از سیاستهای تجاری خود تهیه و به این گروه ارائه می‌کند. همزمان با اقدامات پیش گفته، مذاکرات دوجانبه و چندجانبه به منظور تعیین شرایط عضویت و حصول توافق میان گروههای کاری انجام می‌گیرد. سپس مرحله تنظیم پروتکل الحاق و مشخص شدن تعهدات هر کشور در زمینه گشایش بازار کالاها و خدمات خود به روی دیگر اعضا آغاز می‌شود. در واقع، مرحله نخست یعنی مذاکرات، آغاز فرایندی است که به عقد موافقتنامه میان دولت متقاضی و سازمان جهانی بازرگانی می‌انجامد.

همه مواد و بندهای این قرارداد نیز مذاکرات و برپایه توافق تعیین می‌شود. این مرحله در سازمان جهانی بازرگانی را مرحله اثبات واجد شرایط بودن می‌نامند و به مجموعه اطلاعاتی مربوط می‌شود که هر کشور متقاضی عضویت باید فراهم کند و در اختیار گروه کاری قرار دهد و دربرگیرنده گزارش سیاست تجاری، پاسخ کتبی پرسشهای مربوط به این گزارش و دیگر اسناد مورد نیاز است.

تلاش گروههای کاری به تهیه مجموعه اسنادی منجر می‌شود که دربرگیرنده گزارش گروه کاری، پروتکل الحاق و جدول تعهدات دسترسی به بازار کشور در مورد کالاها و خدمات است. این جدول را دبیرخانه سازمان تهیه می‌کند. مرحله پایانی، مجموعه‌ای است که برای تصویب به شورای عمومی تسلیم می‌شود؛ رأی‌گیری در جلسه شورا انجام می‌شود و عضویت کشور متقاضی در گروه کسب ۲/۳ آراست. يك ماه پس از تصویب پروتکل از سوی پارلمان کشور متقاضی، عضویت به مرحله اجرا درمی‌آید.

مربوط می‌شود برعهده دارد. کمیته‌ها و دیگر بدنه‌های متمم دربرگیرنده سه کمیته اصلی در سازمان جهانی بازرگانی است: ۱- کمیته تجارت و توسعه؛ ۲- کمیته محدودیتهای تراز پرداختها؛ ۳- کمیته بودجه، مالی و تشکیلاتی. این کمیته‌ها وظایف خود را بر پایه موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه و آنچه شورای عمومی مقرر می‌کند، تعیین کرده است و عضویت در این کمیته‌ها برای همه اعضای سازمان جهانی بازرگانی آزاد است. شورای عمومی نیز ناظر بر دو کمیته است: کمیته تجارت و محیط زیست؛ کمیته موافقتنامه‌های منطقه‌ای تجاری.

ث - پیوستن به سازمان و خروج از آن:

برپایه مفاد موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی بازرگانی، پذیرندگان موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و نیز جوامع اروپایی که موافقتنامه کنونی و موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه را می‌پذیرند و در مورد آنها جدول‌های امتیازات و تعهدات به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ و جدول‌های تعهدات خاص به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات پیوست شده است، به عضویت اصلی سازمان جهانی بازرگانی درمی‌آیند. پیوستن هر عضو تازه به سازمان بر پایه شرایطی که میان آن عضو و سازمان جهانی بازرگانی مورد توافق قرار می‌گیرد، با تصویب دو سوم اعضای کنفرانس وزیران صورت خواهد گرفت. همچنین خروج هر دولت عضو از سازمان، شش ماه پس از تسلیم درخواست کتبی به دبیرکل.

ج - مراحل عمومی پیوستن به سازمان:

فرایند پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی، فرایندی طولانی و چندمرحله‌ای است که هر مرحله، الزامات و شرایط ویژه‌ای دارد. کشوری که خواهان عضویت در این سازمان است، نخست باید درخواست خود را بوسیله دبیرکل سازمان به

● کارشناسان اقتصادی

معتقدند که پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی نیازمند اصلاحات گسترده در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی و حقوقی است که گرچه می‌تواند برای کشورهای عضو بسیار سودمند باشد، اما از سوی دیگر در ساختارهای ضعیف اقتصادی می‌تواند مشکلاتی به بار آورد.

چ - ضرورت عضویت ایران در سازمان:

بررسی فشرده دیدگاه‌های گوناگون در خصوص عضویت ایران در سازمان جهانی بازرگانی گویای وجود دو دیدگاه خوش بینانه و بدبینانه در این زمینه است.

گروه نخست معتقدند که نه تنها پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی اجباری نیست، بلکه کاری است داوطلبانه به منظور بهره‌گیری از منافع بازرگانی آزاد با دیگر کشورهای عضو. بنابراین با توجه به افزایش شمار اعضای این سازمان در سالهای گذشته و گسترش روزافزون نقش این سازمان در بازرگانی بین‌الملل و این واقعیت که کشورهای عضو از منافع دوسویه مانند دسترسی به بازارهای یکدیگر و تسهیلات تجاری متقابل بهره‌مند می‌شوند، پیوستن ایران به این سازمان در شرایط کنونی یک ضرورت گریزناپذیر به‌شمار می‌آید. همچنین، عضویت در این سازمان به رقابت سازنده و سخت‌میان تولیدکنندگان داخلی و خارجی می‌انجامد و همین، سبب رشد متوازن صنایع داخلی خواهد شد.

بدبینان بر این باورند که عضویت ایران در سازمان جهانی بازرگانی موجب نابودی صنایع داخلی می‌شود و ایران را زیر سلطه کشورهای صنعتی نیرومند در خواهد آورد. حال این پرسش مطرح است که کشوری مانند ایران چه نگرشی باید در مورد پیوستن به سازمان داشته باشد و چه تدابیری در راستای بهره‌گیری از منافع عضویت خود بیندیشد.

در پاسخ، باید به این نکته اساسی توجه کرد که اساسنامه سازمان جهانی بازرگانی بویژه در مورد کشورهای توسعه نیافته برخی امتیازات کوتاه‌مدت پیش‌بینی کرده است که مهمترین آنها عبارت است از: حق اعمال محدودیت‌های وارداتی برای پشتیبانی از صنایع داخلی و اجرای سیاست‌هایی مانند دادن بارانه به بخشهای صادراتی به منظور رقابتی کردن تولیدات آنها در بازارهای خارجی.

بنابراین، ایران نیز بعنوان یک کشور در حال توسعه در صورت عضویت در این سازمان می‌تواند از این امتیازات برخوردار شود.

از سوی دیگر، در خصوص پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی و پیامدهای مثبت و منفی آن در آینده اقتصاد کشور، سه دیدگاه در میان اندیشمندان اقتصادی وجود دارد که بررسی آنها می‌تواند تا اندازه‌زیادی ابهامات مربوط به منتقدان عضویت ایران در این سازمان را برطرف کند.

(۱) دیدگاهی که می‌توان آن را دیدگاه تجاری نامید. پیروان این دیدگاه پیشنهاد می‌کنند که ایران باید هر چه زودتر به عضویت دائم سازمان جهانی بازرگانی درآید زیرا با بیرون ماندن از این سازمان در واقع بیش از پیش در زمینه بازرگانی جهانی منزوی خواهد شد. معتقدان به این دیدگاه استدلال می‌کنند که ایران دارای مزیت نسبی در برخی عوامل و منابع تولیدی است و بویژه به دسترسی به منابع انرژی فسیلی و نیروی کار فراوان اشاره می‌کنند و از آنها بعنوان امتیازاتی در بخش تولید نام می‌برند. بر این پایه، هرگاه موانع موجود بر سر راه واردات کالا برداشته شود، صنایع داخلی برای بقای خود در برابر فشار رقابت کالاهای وارداتی، ناگزیر خواهند شد به رقابتی کردن تولیدات خود دست زنند و در نتیجه امکان حضور مؤثر در بازارهای جهانی را پیدا می‌کنند.

(۲) نگرش دوم که می‌توان آن را دیدگاه توسعه‌ای یا ساختاری نامید، بیشتر از سوی کارشناسان توسعه معرفی شده است. این گروه استدلال می‌کنند که اصل مزیت نسبی گویای امتیازات بالقوه یک کشور در زمینه تولید برخی کالاها در یک زمان معین است. به سخن دیگر، ممکن است کشوری از انواع امتیازات از جمله فراوانی منابع طبیعی و انسانی برخوردار باشد، اما تا زمانی که این منابع به کالای قابل مبادله تبدیل نشود آن کشور دارای هیچ‌گونه مزیت نسبی به مفهوم تجاری آن نیست. به گفته این گروه از اقتصاددانان، مزیت نسبی عینی ایران در حال حاضر عبارت است

● قوانین کنونی ایران برای پیوستن کشور به سازمان جهانی بازرگانی مناسب نیست و باید اصلاح شود. در این زمینه در قانون برنامه چهارم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نکات مثبتی گنجانده شده است. همیاری و همکاری دولت و مجلس نیز برای هموار کردن راه پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی لازم است.

عمل بقایای آنها و همزمان فرصت‌های شغلی موجود نیز به خطر افتد.

ح - مزایای عضویت در سازمان:

در پنجم خرداد ۱۳۸۴، سرانجام پس از سالها بافشاری ایران برای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی، عامل اصلی پذیرفته نشدن درخواست ایران، یعنی آمریکا دست از مخالفت برداشت و درخواست ایران با رأی مثبت همه اعضا به تصویب رسید و ایران بعنوان عضو ناظر به این سازمان بین‌المللی راه یافت.

موافقت آمریکا با درخواست ایران برای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی پس از بیست‌ودو بار مخالفت، راه را برای همگام شدن ایران با اقتصاد جهانی می‌گشاید؛ راهی که بسته به سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ایران، می‌تواند در زمانی نه چندان دراز یا سالهای سال پیموده شود، ولی به هر رو در آینده اقتصادی کشور بازتاب خواهد داشت.

از دید برخی منابع خارجی و داخلی، این موفقیت را می‌توان دستاورد سیاست شفاف ایران در زمینه هسته‌ای و توانایی‌اش به غنی‌سازی اورانیوم دانست؛ اما پاره‌ای از مقامات ایرانی می‌گویند که عضویت در سازمان جهانی بازرگانی حق مسلم ایران بوده و آمریکا پس از سالها مخالفت ناگزیر از پذیرش آن شده است.

با توجه به اعمال محدودیت‌های ویژه از سوی کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی به کشورهای غیرعضو، پیوستن به این سازمان، گریزناپذیر به نظر می‌رسد. پس از پذیرش درخواست ایران، دولت در نخستین گام باید سند رژیم تجاری ایران را به سازمان ارایه کند و پس از بررسی و تکمیل و اصلاح شدن آن، مرحله اصلی گفتگوها میان ایران و کشورهای عضو سازمان آغاز خواهد شد.

با توجه به اهمیت سند مربوط به رژیم تجاری ایران و گفتگوهای گروه ایرانی با سازمان

از: توانایی به نسبت چشمگیر در تولید اقلام سنتی، کشاورزی، صنایع دستی و نفت.

این گروه معتقدند که ورود به تجارت آزاد بر پایه مزیت نسبی در واقع به رشد بخش ناچیزی از تولید می‌انجامد، اما هرگز نمی‌تواند به تقویت بخشهایی بپردازد که برای توسعه عینی اقتصاد کشور لازم است. به سخن دیگر پیش از پیوستن به تجارت آزاد جهان لازم است به تدوین و اجرای یک برنامه مؤثر توسعه دست‌زینم و با تعیین اهداف توسعه خود در درازمدت درباره شرایط ورود به سازمان به گفتگو بنشینیم.

۳) نگرش سوم که آن را نگرش مدیریتی می‌نامند، در واقع دربرگیرنده برداشتی مدیریتی از آمیزه‌ای از دیدگاه نخست و دوم است. در این دیدگاه وجود واحدهای تولیدی صنعتی و توان بالقوه آنها برای رقابت با واردات آزاد و ورود به بازارهای جهانی پذیرفته می‌شود، اما تأکید می‌شود که برای بالفعل کردن این ظرفیت‌ها لازم است شرکت‌های ایرانی پیشاپیش از مدیریت مناسب و شایسته و سازماندهی بهینه برخوردار شوند تا بتوانند به تولید و عرضه کالاهای رقابتی بپردازند و همچنین امکانات لازم برای فعالیت مدیران شایسته فراهم آید.

روی هم رفته کمتر کسی است که ضرورت پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی را نادیده انگارد، اما در مورد پیش شرطهای آن، همگان یکسان نمی‌اندیشند. شاید مناسبترین پاسخ به این پرسش که «آیا ایران باید به سازمان جهانی بازرگانی بپیوندد یا نه؟» این باشد که با زمینه‌سازی مناسب چه در زمینه ایجاد ساختار اقتصادی لازم و چه در زمینه بهینه‌سازی مدیریت‌ها عضویت به سود ماست و گرنه ممکن است عضویت در سازمان به عقب‌ماندگی اقتصادی و فنی بیشتر بینجامد و با قرار گرفتن واحدهایی ناتوان از رقابت بازرگانی و فنی و تخصصی در معرض رقابت با دیگر کشورها، در

● عضویت کامل در سازمان جهانی بازرگانی روندی پیچیده و دراز دارد که بسته به شرایط سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی، ممکن است سالیانی چند به درازا بکشد؛ هرچند برای افزایش حجم روابط بازرگانی کشور، افزایش صادرات غیرنفتی، افزایش سطح بهره‌وری و کیفیت، کاهش بهای تمام شده کالاهای رقابتی کردن اقتصاد چاره‌ای جز پیمودن این مسیر نیست.

جهانی بازرگانی آشنایی کامل هیأت گفتگوکننده و نیز دست‌اندرکاران ایجاد شرایط برای عضویت ایران در سازمان جهانی بازرگانی با مقررات آن سازمان و نیز مزایای کشورهای تولیدکننده، صادرکننده و واردکننده کالا در جهان ضرورت دارد.

بر پایه برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله و راهکارهای اقتصادی مطرح شده در این برنامه، ایران باید در دهه‌های آینده به قدرت اقتصادی برتر در منطقه تبدیل شود. این هدف هنگامی محقق می‌شود که اندیشه تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری در مسئولان و اقشار گوناگون جامعه نهادینه شود. برای نمونه، برخی کشورهای جهان که در سالهای نه‌چندان دور اقتصادهای چندان پیشرفته‌ای نداشته‌اند، امروز به برکت بهره‌مندی از مزایای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی به رقیبی جدی برای دیگر کشورها در زمینه‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که کالاهای صادراتی آنها به سراسر جهان رسیده است. ما هم اگر خواهان برداشتن گامهای سریع در راه رشد اقتصادی هستیم، چاره‌ای جز تلاش و کوشش پیگیر برای پیشبرد بخشهای گوناگون اقتصادی کشور و رعایت استانداردهای جهانی برای تولید، توزیع و صادرات کالا نداریم.

به هر رو با پذیرش ایران بعنوان عضو ناظر در سازمان جهانی بازرگانی، مقدمات پیوستن به این سازمان از جمله زمینه گفتگوهای فنی و تجاری فراهم شده و مذاکره با کشورهای عضو آغاز خواهد شد؛ هر چند تا عضویت کامل، باید به اصلاحات اقتصادی چندی بپردازیم. برخی مزایای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی به گونه فشرده به شرح زیر است:

(۱) هر عضو سازمان به سادگی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که عضو رسمی این سازمان است.

(۲) هر گونه محدودیت که برای کالاهایی در یک کشور عضو در نظر گرفته شود، خود به خود برای

دیگر کشورهای عضو نیز منظور می‌گردد. (۳) دسترسی مداوم به بازار کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.

(۴) تسهیلات تجاری برای کشورهای عضو بی‌اینکه قراردادی دوجانبه با یکدیگر داشته باشند فراهم می‌شود.

خ- موانع اقتصادی داخلی در راه پیوستن به سازمان:

کارشناسان اقتصادی معتقدند که پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی نیازمند اصلاحات گسترده در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی و حقوقی است که گرچه می‌تواند برای کشورهای عضو بسیار سودمند باشد، اما از سوی دیگر در سایه زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی می‌تواند مشکلاتی به بار آورد. بی‌گمان افکندن نگاهی به تجربه و دستاوردهای دیگر کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی می‌تواند از مخاطرات عضویت بکاهد و به امکان بهره‌گیری از مزایای عضویت بیفزاید.

قوانین کنونی ایران برای پیوستن کشور به سازمان جهانی بازرگانی مناسب نیست و باید اصلاح شود. در این زمینه در قانون برنامه چهارم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نکات مثبتی گنجانده شده است. همیاری و همکاری دولت و مجلس نیز برای هموار کردن راه پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی لازم است. از بعد قانون‌گذاری باید قوانین گذشته مورد بازنگری جدی قرار گیرد و قوانین داخلی با قوانین بین‌المللی همخوان شود. همچنین ورود سرمایه‌های خارجی و مدیریت این سرمایه‌ها باید در راستای منافع ملی باشد. با برنامه‌ای سنجیده و زمانبندی شده می‌توانیم برای پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی در راستای تأمین منافع ملی آماده شویم، وگرنه اقتصاد کشور در برابر تهاجم شرکتهای بزرگ چندملیتی، توان ایستادگی و

● مدیریت ناکارآمد

دولتی سبب از میان رفتن رقابت، کاهش بهره‌وری، پایین آمدن کیفیت کالاها و در برابر، بهای گران تولیدات داخلی در برابر کالاهای مشابه خارجی شده و از این رو شهروندان به خرید کالاهای خارجی و وارداتی گرایش نشان می‌دهند. برای عضویت دائم در سازمان جهانی بازرگانی، این روند باید با برنامه‌ریزی درست دگرگون شود، وگرنه پیوستن کم‌خطر به سازمان و بهره‌گیری از مزایای گوناگون اقتصادی آن، امکان‌پذیر نیست.

رقابت نخواهد داشت.

با ایران دارند. گفتگوها با اعضای این گروه، دو جانبه و چند جانبه خواهد بود و نمایندگان ایران باید با مهارت بیشترین امتیازات را به دست آورند؛ هر چند صحنه مذاکرات در این سازمان، هم محل گرفتن و هم دادن امتیاز است.

اما مهم‌ترین پرسش این است که اقتصاد غیر رقابتی و دولتی ایران تا چه اندازه آمادگی پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی را دارد؟

گفته می‌شود که نزدیک به ۷۵ درصد اقتصاد ایران دولتی است و دولت بزرگترین بنگاه‌های اقتصاد کشور را در اختیار دارد. مدیریت ناکارآمد دولتی سبب از میان رفتن رقابت، کاهش بهره‌وری، پایین آمدن کیفیت کالاها و در برابر، بهای گران تولیدات داخلی در برابر کالاهای مشابه خارجی شده و از این رو شهروندان به خرید کالاهای خارجی و وارداتی گرایش نشان می‌دهند. برای عضویت دائم در سازمان جهانی بازرگانی، این روند باید با برنامه‌ریزی درست دگرگون شود، و گرنه پیوستن کم‌خطر به سازمان و بهره‌گیری از مزایای گوناگون اقتصادی آن، امکان‌پذیر نیست.

به هر رو، صحنه اقتصاد جهانی همانند صحنه اقتصاد داخلی، آکنده از رقابت است و هر کشور یا واحد تولیدی که توان رقابت نداشته باشد، ناگزیر کنار گذاشته خواهد شد.

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه اقتصادی کشور، تعامل ایران با اقتصاد جهانی پیش‌بینی شده است و این هدف باید بر برنامه‌ریزی دولتمردان تحقق یابد. ایران باید بر پایه این سند به قدرت اقتصادی برتر در منطقه تبدیل شود. در برنامه توسعه چهارم، نرخ رشد ۸ درصد هدف‌گیری شده است که ۲/۵ درصد آن باید با افزایش نرخ بهره‌وری به دست آید. اجرای همه این برنامه‌ها در گرو عزم ملی و

مهمترین نقاط ضعف اقتصاد ایران به شرح زیر است:

۱- اقتصاد دولتی، متمرکز و وابسته به صادرات نفت مشکل بزرگی است که بی‌اصلاحات گسترده، امکان پیوستن ایران به سازمان را کاهش می‌دهد و روند پیوستن را به دراز می‌کشاند.

۲- یارانه‌هایی که در حال حاضر برای مواد سوختی و برخی کالاهای اساسی از جمله روغن، قند، شکر، پنیر و برنج وارداتی منظور می‌شود باید با برنامه‌ریزی درست برداشته شود.

۳- تولیدکنندگان ایرانی به علت نبود رقابت در بازار و نیز بهره‌گیری از برخی کمک‌های دولتی امکان رقابت با رقیبان خارجی را ندارند.

نتیجه‌گیری:

با پذیرش درخواست پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی در پنجم خرداد ۱۳۸۴، نخستین گام در راه پیوستن ایران به این سازمان که با ۱۴۹ عضو ۹۸ درصد بازرگانی جهانی را در اختیار دارد، برداشته شده است. اما عضویت کامل در سازمان جهانی بازرگانی روندی پیچیده و دراز دارد که بسته به شرایط سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی، ممکن است سالیانی چند به درازا بکشد؛ هر چند برای افزایش حجم روابط بازرگانی کشور، افزایش صادرات غیرنفتی، افزایش سطح بهره‌وری و کیفیت، کاهش بهای تمام شده کالاها و رقابتی کردن اقتصاد چاره‌ای جز پیمودن این مسیر نیست.

وزارت بازرگانی بعنوان نماینده دولت ایران باید در کوتاهترین زمان ممکن سند رژیم تجاری کشور را با همکاری همه سازمانها و وزارتخانه‌های ذیربط و در چارچوب قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی تدوین و به گروه کاری که به زودی تشکیل خواهد شد تحویل دهد. این گروه کاری دربرگیرنده ۱۰ کشور عضو سازمان است که بیشترین روابط تجاری را

تلاش هرچه بیشتر برای رسیدن به اقتصادی پویا، مولد، غیر دولتی (کاهش حجم دولت در بخش اقتصادی) و استوار بر استانداردهای جهانی است.

منابع:

۱. زمانی، هادی، ایران، فرصتها و چالشهای جهانی شدن، تهران، انتشارات بال، ۱۳۸۴.
۲. امیدبخش، اسفندیار، «پیوستن به سازمان تجارت جهانی». روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۹۶۶
۳. فاطمی نژاد، سیدمحمد، «تجارت و توسعه جهانی»، پیام صنعت (بی تا)
۴. فرهاد دژبند و مسعود عبدیان، «منافع و مضار پیوستن به سازمان تجارت جهانی»، برنامه و بودجه، سازمان برنامه و بودجه، شماره ۱۳ و ۱۴، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۶
۵. نسرین مصفا و فریده شایگان و دیدخت صادقی حقیقی،
- راهنمای سازمان ملل متحد، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴
۶. خطیبی، مهدی، «تأسیس وتو»، گاهنامه اقتصاد ایران، شماره ۱۳۷۸، ص ۴
۷. سایت سازمان جهانی بازرگانی به نشانی اینترنتی <http://www.wto.org>
۸. سایت بانک جهانی به نشانی اینترنتی <http://www.worldbank.com>
۹. «فرصتها و چالشهای پیوستن به سازمان جهانی تجارت» خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تیر ماه ۱۳۸۴
۱۰. حیدری، همایون، «WTO پایداری در رقابت جهانی»، همشهری، ۲۷ مرداد ۱۳۸۴
11. Bhagwati, Jadish, **In Defence of Globalization**, (London, Oxford University Press, 2004)
12. Dicken, Peter, **Global Shift** (London, SAGE Publication, 2003)